

روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟*

نویسنده: جولی ام. رام

مترجم: مریم ملانظر**

تاریخ تصویب: ۱۱/۳/۵

تاریخ ارائه: ۱۰/۱۱/۲۵

کلید واژه‌ها

مثلث استراتژیک، مشارکت استراتژیک، پیمان استراتژیک، اختلافات ژئوپلیتیکی، سلاحهای استراتژیک، سلاحهای هسته‌ای، سلاحهای متعارف.

چکیده

ناتوانی روسیه در ممانعت از گسترش ناتو به سوی شرق و آزردگی این کشور به خاطر اقدام نظامی یکجانبه ناتو در کوزوو، مسکو را وادار کرده‌است تا برای تفاهم استراتژیکی نزدیکتر با چین و هند بکوشد. اگرچه اشاره بحث‌انگیز یوگنی پریماکف (Yevgeny Primakov) به "مثلث استراتژیک" میان روسیه، چین و هند ممکن است عینیت نیابد اما در واقع هریک از این کشورها از پویایی نسبتاً مشابهی برخوردارند. آنها رابطه خود را با یکدیگر استحکام می‌بخشند در حالی که روابط با ایالات متحده را نیز گسترش می‌دهند. به لحاظ نتایج استراتژیک، این مشارکت دست‌کم منافع آنها را در همکاری دوجانبه با یکدیگر افزایش خواهد داد و در نهایت می‌تواند نفوذ آمریکا را محدود کند. این مشارکت بالقوه دستورکاری برای جنگ سرد آینده به شمار می‌آید و در بردارنده تهدیدی است که می‌تواند تأثیر شگرفی بر آمریکاییها بگذارد. انگیزه همکاری استراتژیک سه‌جانبه

* Julie M. Rahm, "Russia, China, India : A New Strategic Triangle for a New Cold War?", *Parameters*, US Army War College Quarterly, Winter 2001-02, pp.87-97.

** خانم مریم ملانظر، مترجم در مسائیل استراتژیک در پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) است.

روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟ _____ ۳

رئیس جمهور روسیه، از هند در نخستین هفته اکتبر ۲۰۰۰، دو کشور "اعلامیه مشارکت استراتژیک" و توافقیهای مهم دیگری را به امضا رساندند. همکاری فنی و نظامی، پژوهش و توسعه مشترک و آموزش ابعاد اصلی این مشارکت استراتژیک را تشکیل می‌دهند. این مشارکت روسیه و هند را به یک پیمان استراتژیک سه جانبه با چین یک گام نزدیکتر می‌سازد.^(۲) هند و روسیه متعهد شدند که برای ایجاد جهان چندقطبی مبتنی بر برابری تمامی دولتهای مستقل همکاری کنند. دو کشور "مخالفت قاطعانه خود را با کاربرد زور یا تهدید به اعمال آن به طور یکجانبه در نقض منشور سازمان ملل، و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، از جمله در پوشش مداخله بشردوستانه" اعلام کردند.^(۳) این امر، مخالفت عمومی را در جامعه بین‌المللی با جنگ ناتو در یوگسلاوی و تحریم اقتصادی علیه عراق تداعی کرد.

مبادلات نظامی نقش برجسته‌ای را در این مورد ایفا می‌کند. در خلال سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۰، خریدهای تسلیحاتی هند از روسیه بالغ بر ۳/۵ میلیارد دلار (آمریکا) بود؛ میانگین سالانه تجارت تسلیحاتی نزدیک به ۸۰۰ میلیون دلار است. روسیه به تازگی متعهد شده‌است که ۵۰ فروند جنگنده چند منظوره سوخو-۳۰ را به هند عرضه کند و موافقت کرده که مدل اصلاح شده این نوع هواپیما به وسیله یک شرکت هندی ساخته شود. همچنین کشور هند تانکهای پیشرفته تی-۹۰، سه فروند ناو فریگت (*Frigate*)، یک فروند زیردریایی، سیستم پدافند هوایی ضد موشک اس-۳۰۰، و یک فروند ناو هواپیمابر سنگین را دریافت خواهد کرد.^(۴) به نظر می‌رسد که مسکو در عرضه فناوریهای نظامی به هند نسبت به چین راحت‌تر برخورد می‌کند. تصور نفوذ شگفت‌آور روسیه بر تدارک دفاعی هند براساس آمار زیر ایجاد شده‌است: نزدیک به ۶۰ درصد تجهیزات نظامی نیروی زمینی هند ساخت روسیه می‌باشد، در عین حال که ۷۰ درصد جنگ‌افزار نیروی دریایی و ۸۰ درصد سخت‌افزار نیروی هوایی این کشور ساخت روسیه بوده و یا منشأ روسی دارند.^(۵)

اهمیت صادرات سلاح برای بقا و فعالیت صنعت دفاعی روسیه ممکن نیست مبالغه‌آمیز باشد. اگرچه تدارکات دفاعی داخلی ۱۵-۱۰ درصد از کل تولید دفاعی

روسیه را دربرمی‌گیرد، هند و چین روی هم ۷۵ تا ۸۰ درصد از کل صادرات این کشور را دریافت می‌کنند.^(۶) روسیه نه تنها سود تجاری از انتقالات تسلیحاتی عمده به دست می‌آورد، بلکه به واسطهٔ فروشهای تسلیحاتی آینده و نیز همکاری استراتژیکی و سیاسی بیشتر با کشورهای دریافت‌کننده، اهرم کسب می‌نماید.

همکاری تجاری و اقتصادی بین روسیه و چین پیشرفت کرده، اگر چه اهداف تعیین شدهٔ دو طرف را جامهٔ عمل نپوشانده است. مواد غذایی و کالاهای مصرفی که از طریق تجارت مرزی با چین، وارد روسیه می‌شود برای ساکنان سیبری و منطقهٔ خاور دور حیاتی است. از سوی دیگر، برای کشور چین که به نفت وارداتی وابسته است، منابع غنی نفت و گاز در روسیه جاذبه دارد. اما عرضهٔ تسلیحات همچنان بر صادرات روسیه به چین مشرف است. طی پنج سال گذشته، میزان صدور تسلیحات روسیه به چین بیش از سه برابر شده است و در حال حاضر تا یک سوم گردش تجاری سالانه - و نزدیک به ۷۰ درصد خریدهای تسلیحاتی چین را در بازار خارجی تشکیل می‌دهد.^(۷) چین با دریافت ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل فروشهای تسلیحاتی روسیه، بزرگترین بازار سلاح این کشور است.^(۸) در سالهای ۹۷-۱۹۹۱، چین نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار اسلحه از روسیه خریداری کرده است.^(۹)

روسیه و چین در بارهٔ امکان ساخت سیستم دفاع موشکی مشترک به بحث و بررسی پرداخته‌اند تا در صورتی که آمریکا اعتراض آنها را نادیده گرفته و برنامهٔ سپر ضد موشکی ملی را تداوم بخشد، طرح خود را عملی سازند. در دیدار چی هوشین (*Chi Haotian*) وزیر دفاع چین از مسکو در ژانویهٔ ۲۰۰۰ و دیدار ایلیا کلیبانف (*Ilya Klebanov*) معاون نخست‌وزیر روسیه از پکن در فوریهٔ ۲۰۰۰، چشم‌انداز مربوط به ایجاد سپر موشکی منطقه‌ای مشترک بحث و بررسی شد. روسیه پیشنهاد کمک به چین داد تا این کشور برنامهٔ فضایی سرنشین‌دار را توسعه بخشد و نیز اجازه داد که از سیستم هدایت ماهوارهٔ جهانی گلوناس (*Glonass*) روسیه برای اهداف گوناگون از جمله نشانه‌گیری جنگ‌افزار دقیق استفاده کند.^(۱۰)

روسیه و چین در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز با یکدیگر همفکری و همکاری

روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟ _____ ۵

می‌کند. روسیه در امور تایوان و تبت پشتیبان چین است، و از حمایت از فشار غرب بر چین در ارتباط با حقوق بشر خودداری می‌کند. چین از اقدامهای روسیه در مهار تجزیه‌طلبی داخلی، از جمله عملیات مسکو در چین حمایت می‌نماید، و نقش برجسته روسیه را در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به رسمیت می‌شناسد.

روسیه، چین و هند به عنوان کشورهای چندقومی، نسبت به چشم‌اندازهای روند فزاینده بنیادگرایی اسلامی و ناسیونالیسم قومی در منطقه نگران هستند. از دیدگاه روسیه، آسیای مرکزی محیط بی‌ثبات جنوب و زیستگاه ده میلیون روسی محلی است. آسیای مرکزی اکنون منطقه‌ای بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی برای چین است که ملی‌گرایی ترکی و ایدئولوژی اسلامی می‌تواند از این محیط به سین کیانگ (*Xinjiang*) (اویغورستان) انتشار یابد. درحال حاضر، روسیه و چین، اسلام بنیادگرا و ناتو را تهدیدی علیه خود به شمار می‌آورند. وزرای دفاع گروه شانگهای (*Shanghai*) (روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) در دیدار خود در آستانه (*Astana*) (پایتخت قزاقستان) در ۳۰ مارس ۲۰۰۰، مسائل جدایی‌خواهی و تروریسم بین‌المللی را در بافت تحولات چین، سین کیانگ و افغانستان عنوان کردند، و ایگور سرگیف (*Igor Sergeev*) وزیر دفاع روسیه آن را "دردسری" برای این پنج کشور خواند.^(۱۱) در مقاله حاضر نیز روشن نیست که این کشورها سرانجام از عملیات آمریکا در واکنش به حملات تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، علیه افغانستان یا دیگر مناطق، پشتیبانی و یا با آن مخالفت خواهند کرد.

این موضوع مسکو را برانگیخته است تا برای بازداري از احیای اسلام در آسیای مرکزی در جستجوی متحدان باشد. مسکو دو کشور هند و چین را شرکای همفکر خود در ارتباط با چالش اسلامی درحال ظهور می‌داند. بنابراین اتحاد استراتژیک روسیه - هند - چین نه تنها مقابله با سلطه غرب است، بلکه بُعد قوی اسلام‌ستیزی را نیز در نظر دارد. مسکو، جنوب آسیا را هنوز به طور عمده از منشور هند می‌نگرد، که همچنان بخشی از سیاستهای گسترده‌تر این کشور در قبال آسیاست.

روسیه به توسعه همکاری بین هند و کشورهای آسیای مرکزی علاقه‌مند می‌باشد،

زیرا این وسیله‌ای برای تعدیل نفوذ در کشورهای اسلامی همسایه در آسیای مرکزی، و نیز تعدیل نفوذ آمریکا در دیگر کشورهای غربی است. هند درصدد مقابله با نفوذ مهمترین رقیب خود، پاکستان، در آسیای مرکزی می‌باشد زیرا معتقد است که روابط نزدیک اسلام‌آباد با آسیای مرکزی، موجب می‌شود تا پاکستان در جنگ آینده علیه هند به عمق استراتژیک دست یابد.^(۱۲)

احساسات ضد آمریکایی، عامل محرک شراکت

نشانه‌هایی وجود دارد که همکاری و شراکت روسیه - چین ویژگی ضدآمریکایی به خود می‌گیرد. پیش از حملات تروریستی به ایالات متحده، مخالفت چین با گسترش ناتو تشدید یافته، و مسکو نسبت به حضور نظامی آمریکا در منطقه و پیمان امنیتی این کشور با ژاپن، موضع سرسختانه‌ای اتخاذ کرده بود. در دیدار ایگور سرگیف، وزیر دفاع روسیه از چین در اکتبر ۱۹۹۸، مسکو و پکن رهیافت مشترک خود را بر سه مسأله بین‌المللی متمرکز کردند: آنها به گسترش ناتو به سوی شرق قاطعانه اعتراض نمودند، کاربرد زور در رفع اختلاف کوزوو را محکوم کردند، و مخالفت خود را با طرح‌های آمریکا - ژاپن برای ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی اعلام کردند.^(۱۳) این امر تغییر موضع قبلی را نشان می‌دهد زیرا چین در برابر گسترش ناتو کم و بیش بی‌تفاوت بود، و ایگور رادیونف (Igor Rodionov)، وزیر دفاع پیشین روسیه گفته بود که تعامل امنیتی آمریکا - ژاپن «ایجاد نگرانی نمی‌کند.» پیوستن کشورهای آسیای مرکزی به ناتو در تلاش برای ایجاد صلح و تمرین‌های نظامی مشترک آنها موجب آزرده‌گی چین شده است. روسیه نیز بیش از پیش از طرح‌های امنیتی آمریکا - ژاپن انتقاد می‌کند. روسیه پروژه سیستم کوتاه‌برد ضد موشک بالستیک را عامل برهم زننده موازنه قوای موجود می‌داند که می‌تواند مانع فرایند کاهش سلاح‌های استراتژیک شود. چین و روسیه استدلال می‌کنند که چاره‌ای جز ایجاد روابط نزدیکتر برای مقابله با سلطه آمریکا ندارند. یولی وارنتسوف (Yuli Vorontsov)، دیپلمات بلندپایه روسی، می‌گوید: «ناتو در حال تبدیل شدن به یک سازمان جهانی

روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟ _____ ۷

است. بنابراین دیگر کشورها باید به ما بیوندند.»^(۱۴)

رفع اختلاف در روابط روسیه، چین و هند

شراکت روسیه - چین، به تقویت روابط دوجانبه، پس از گذشت بیش از دو دهه تنش و خصومت، کمک کرده است. این شراکت همچنین اعتبار بین‌المللی دو کشور را افزایش داده است، اما اعتماد سیاسی هنوز نسبتاً ضعیف می‌باشد. مسکو و به ویژه منطقه خاور دور روسیه نگران هستند از اینکه در صورت افزایش رکود اقتصادی، این منطقه از سوی روسها واگذار شده و حتی به اشغال چین درآید.

بیشتر کارشناسان روسی، چین را تهدید نظامی فوری نمی‌دانند، زیرا انتظار نمی‌رود که چین به لحاظ سلاحهای متعارف و هسته‌ای در آینده نزدیک با روسیه برابری کند.^(۱۵) اما بسیاری از مفسران روسی، از جمله در حوزه نظامی، نسبت به پیامدهای تسلیح چین به جنگ‌افزار پیشرفته روسیه ابراز نگرانی می‌کنند، درحالی که ارتش روسیه خود نمی‌تواند از این سلاحها بهره‌مند شود.

وابستگی فزاینده روسیه در ابعاد نظامی، اقتصادی و سیاسی به چین سبب شده تا محافل سیاسی و دانشگاهی این کشور هشدار ویژه‌ای بدهند و ابراز نگرانی کنند. آلکسی بوگاتورف (Alexei Bogaturov) معتقد است که با وجود روابط حسنه چشمگیر، روسیه و چین همچنان کشورهایی هستند که در طول تاریخ با یکدیگر در تضاد بوده‌اند، و منبع اختلاف ژئوپلیتیکی آنها نیز هنوز رفع نشده یا کاهش نیافته است. بنابراین، او با تلاشهایی که برای انتخاب چین، به عنوان یک متحد یا شریک اصلی در منطقه، انجام می‌شود مخالف است.^(۱۶) با وجود رضایت رسمی عمومی و تحریم غیررسمی تفسیرهای ضدچینی، این‌گونه دیدگاهها در روسیه، حتی در میان مقامات دولتی، نادر نیست. نظرات مشترک در برابر سیاست آمریکا و همکاری نظامی نزدیک برای حفظ و تقویت "شراکت استراتژیک" بین روسیه و چین کافی نیست. برای تکمیل آن، دو کشور باید از بدگمانی دیرینه نسبت به یکدیگر دست برداشته و همکاری اقتصادی درازمدت و باثباتی را آغاز کنند.

روابط بین هند و چین نیز تأثیر مهمی بر ویژگی نظم منطقه‌ای و برداشتهای ژئوپلیتیکی عمده دارد. اختلاف در این رابطه دوجانبه می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر روابط چین با دیگر همسایگان داشته باشد. روابط مستحکم و مبتنی بر همکاری و تشریک مساعی بین هند و چین ایجاد اطمینان می‌کند و به برداشت امنیتی و اعتماد پکن کمک می‌نماید تا در صورت زوال دیگر روابط مهم، ایجاد موازنه کند.^(۱۷)

برقراری مجدد روابط نزدیک (که اجماع متقابل در زمینه اولویت توسعه اقتصادی محرک آن بوده است) بین هند و چین، سه دهه اختلاف را رفع نکرده، بلکه آن را کم‌رنگ کرده است. چهار علت از پنج علت اصلی تنش در روابط هند - چین به وسیله دو قدرت برطرف شده است: هند از سیاست ارزشی خود در قبال تبت دست برداشته؛ چین از پشتیبانی از شورشیان جدایی‌خواه در آسام (*Assam*) و شمال شرق صرف نظر کرده؛ فروپاشی اتحاد شوروی نگرانی چین از گروه متحد استراتژیک با انگیزه دربرگیری را کاهش داده؛ و مهمتر اینکه، به تنشهای ناشی از اختلافهای مرزی بین هند و چین، از طریق گفتگو درباره اقدامهای اعتمادسازی و توافقهایی، توجه شده اگر چه کاملاً رفع نشده است. اختلاف اصلی در روابط کنونی بین دهلی نو و پکن، در این باور هند ریشه دارد که چین فناوری و تجهیزات نظامی هسته‌ای برای پاکستان تأمین می‌کند. این آزرده‌گی، مانع رابطه دوجانبه فراگیر هند با پکن می‌شود. تصمیم چین برای پیوستن به کمیته صادرکنندگان پیمان عدم تولید و تکثیر سلاحهای هسته‌ای / یا کمیته زانگر (*Zangger*)، و همکاری سازنده با آن ممکن است برای دهلی نو اطمینان بخش باشد. اولویت احتیاط درازمدت برای دهلی نو در رابطه خود با پکن، یکی از نتایج صادرات هسته‌ای نظامی چین به پاکستان است.^(۱۸)

رهیافت هند برای غلبه بر تنشهای موجود با چین، درسهایی مهمی به دیگر بازیگران منطقه‌ای می‌دهد تا در روابط خود با چین (به ویژه در مورد مسائل حساس) برخورد مناسبی داشته باشند. در یک برهه زمانی یکسان، دهلی نو در شیوه رفتار خود با پکن موفق‌تر از واشنگتن بوده است. دیدارهای شخصی دوجانبه بین رهبران سیاسی بلندپایه هند و چین به طور منظم برقرار می‌باشد. دو کشور روابط تجاری خود را ارتقا بخشیده‌اند و از طرح مسائل مهارنشدنی، که همچنان محرک تنشهای دیرینه هستند، پرهیز می‌کنند.

روسیه، چین، هند: مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟ _____ ۹

گویا چنین سیاستی به نفع هند بوده زیرا چین "موضع بیطرفی آگاهانه" در قبال "کشمیر" اتخاذ کرده است. (۱۹)

برخلاف سیاست اخیر آمریکا در قبال چین، هند در صدد پایبندی به اصل عدم مداخله در امور داخلی چین می‌باشد و از سیاست خارجی مبتنی بر ارزشها پرهیز می‌کند. با توجه به عمق مسائل استراتژیک نهفته و دیرینه بین هند و چین، و سابقه تنش متقابل که در سالهای اخیر متوقف شده است، این تحولات اهمیت ویژه‌ای دارد. پایگاه دموکراتیک هند نیز می‌تواند آن را به شریکی جذاب برای کشورهای شرق آسیا تبدیل کند، که از سوی آمریکا به نقض حقوق بشر یا نادیده گرفتن معیارهای دموکراتیک محکوم شده‌اند.

احیای اتحاد استراتژیک روسیه - هند، که محرک آن نگرانی مشترک نسبت به بنیادگرایی اسلامی است، قصد اولیه مسکو را، برای تعقیب سیاست متعادل‌تر در جنوب آسیا، به ویژه بهبود روابط با پاکستان، خنثی کرده است. در عوض، بیشتر به علت حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان قبل از حوادث اخیر، روابط مسکو - اسلام‌آباد به وخامت گراییده است. منافع استراتژی روسیه در هند، مسکو را برمی‌انگیزاند تا برای پیوستن دهلی‌نو به نهادها و مراجع برجسته آسیا - اقیانوس آرام بکوشد. روسیه که خود عضو سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام شده است، اکنون از پیشنهاد هند برای عضویت در این نهاد منطقه‌ای حمایت می‌کند. گریگوری کارسین (*Grigory Karasin*)، معاون وزیر خارجه روسیه در گفتگو با وزارت خارجه هند در نوامبر ۱۹۹۸ اظهار داشت: «مسکو برای کمک به دهلی‌نو در توسعه روابط با سازمان مورد بحث، و سرانجام پیوستن به آن، از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نخواهد کرد.» (۲۰)

اگرچه روسیه و هند از سیاست آشکار ضدچینی دست کشیده‌اند، دو کشور همچنان نسبت به پکن بدگمان و نگران هستند. با وجود شکایت عمومی مسکو درباره آزمایشهای هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، روسیه نگرانی دهلی‌نو را در مورد آمادگی نظامی کافی در صورت تجاوز چین درک می‌کند. مسکو گذشته از حمایت تلویحی، با از سرگیری تدارکات تسلیحاتی، که پس از وقفه‌ای کوتاه در اوایل دهه ۱۹۹۰ همواره

در حال افزایش است، از هند پشتیبانی می‌کند.

چالش‌های استراتژی آمریکا در سطح بین‌المللی

برخی از مقامات آمریکایی اذعان می‌دارند که روابط نزدیکتر بین مسکو و پکن مایه نگرانی است. به عقیده آنها، هم‌اکنون بحث‌های جاری در شورای امنیت سازمان ملل پیچیده‌تر است، جایی که روسیه و چین اغلب در برابر ابتکارات مداخله‌گرایانه از سوی آمریکا و انگلیس موضع مشترکی اتخاذ می‌کنند. بن‌بست در شورای امنیت سازمان ملل، که یادآور دوران جنگ سرد است، به رخدادی منظم تبدیل می‌شود.^(۲۱) برای نمونه، دولت کلینتون چون احتمال می‌داد که روسیه و چین طرح مداخله نظامی در کوزوو را وتو کنند، تصمیم گرفت از طریق ناتو اقدام نماید. مسکو و پکن نسبت به مداخله خارجی در زمینه‌های بشردوستانه نگران بودند، که با تضادهای داخلی روسیه مانند چین، و چین مانند ادعاهای این کشور در مورد تایوان، ارتباط داشت. به علاوه، ناتو بار دیگر در حال توطئه‌چینی بود تا سیستم ارزشی آمریکا را بر یک کشور جهان سومی تحمیل کند.^(۲۲)

روسیه، چین و هند در طول دهه ۱۹۹۰ شاهد عملکردهای متضاد آمریکا بوده و درسهای یکسانی را برگرفته‌اند. محافل نظامی و سیاسی هند در زمره نخستین محافلی بودند که در برابر عملیات کوزوو واکنش نشان دادند، و به تعمق درباره درسهای مقدماتی برگرفته شده پرداختند.^(۲۳) «ما رخدادها و جریانات [کوزوو] را مطالعه می‌کنیم و درسهایی از آنها برمی‌گیریم.»^(۲۴) اهمیت «عوامل تقویت‌کننده نیرو» که به وسیله فناوری اطلاعات، هواپیماهای آواکس، سوخت‌گیری هوایی، پرنده‌های بدون سرنشین و توانمندیهای جنگ الکترونیکی فراهم می‌شود، زمینه مشترکی در تفکر هند، روسیه و چین پس از عملیات طوفان صحرا بوده‌است. تحلیلگران سه کشور بر این باورند که نیروهای مسلح آنها می‌توانند در برابر دشمن برخوردار از فناوری پیشرفته موفق شوند اگر از این عوامل تقویت‌کننده نیرو در ترکیب با تاکتیکهای هوشمند فناوری سطح پایین، جنگ چریکی شهری، تروریسم مالی، ضربت رایانه‌ای، جنگ رسانه‌ای، اقدامهای

دیپلماتیک و جنگ روانی استفاده کنند. (۲۵)

با توجه به "دکترین جدید ناتو در سمت‌گیری مداخله‌گرایانه" و توانمندیهای نوین جنگ‌افزار متعارف و هوشمند دوربرد، متفکران نظامی هند برای بازسازی از ارباب و حمله غرب، ارتقای سلاحهای هسته‌ای خود را توصیه کردند. این نمونه بارزی از گرایش به سوی جنگ‌افزار هسته‌ای و آثار مخرب آن است که ژنرال ماکموت گاریوف (Makmut Gareyev)، رئیس دانشکده علوم نظامی روسیه، پیش‌بینی کرده‌بود. او معتقد است کشورهایی مانند روسیه که نمی‌توانند با دشمن برخوردار از سلاحهای متعارف با فناوری پیشرفته بجنگند، برای بازسازی از حملات متعارف، به سلاحهای هسته‌ای تمسک خواهند جست. (۲۶) تا سال ۱۹۹۸، هند موضع اصلی خود را، که عواطف انسانی متنفذ از بازدارندگی هسته‌ای است، حفظ کرد، اما اکنون این کشور به طور تلویحی اشاره می‌کند که در صورت نیاز به دفاع از موجودیت خود، بدون توجه به تلفات مردم، چه خودی و چه دشمن، بیرحمانه اقدام خواهد نمود. نخست‌وزیر هند، واجپایی (Vajpayee) در ۱۵ مارس ۱۹۹۹ در اظهاراتی مدعی شد: «سلاح هسته‌ای یک جنگ‌افزار تهاجمی نیست، بلکه کاربرد دفاعی دارد. این نوع سلاح به حفظ صلح کمک می‌کند. عدم کاربرد زور در دوران جنگ سرد، ناشی از موازنه وحشت بود.» (۲۷) واقعیت اینکه هند بازسازی نیروهای متعارف خود را آغاز کرده‌است، تا با ارتقای آستانه هسته‌ای، پیش از تمسک به کاربرد جنگ‌افزار هسته‌ای، به وسیله این نیروها گزینه‌های بیشتری ایجاد کند. (۲۸)

سرلشگر ووجیانگو (Wujianguo)، دانشیار و رئیس سابق آکادمی پدافند شیمیایی، در مقاله‌ای با عنوان "سایه‌های سلاح هسته‌ای بر جنگ برخوردار از فناوری پیشرفته" به طور خلاصه دیدگاه چین را نسبت به توان هسته‌ای خود بیان می‌کند: «هرگاه کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای برخوردار از سلاح متعارف با فناوری پیشرفته با یکدیگر به جنگ پردازند، جنگی که شدت می‌یابد، احتمال کاربرد جنگ‌افزار هسته‌ای وجود دارد. بنابراین، سلاح هسته‌ای هنوز یک برگ برنده در اختیار کشورهای هسته‌ای است.» (۲۹)

بسیاری از سناریوهایی که در برابر آمریکا چالش ایجاد می‌کنند ممکن است از اتحاد استراتژیک سه‌جانبه نشأت گیرند. یکی از سناریوهای جنگ احتمالی مربوط به چین و

تایوان است. احتمال این جنگ به چندین دلیل وجود دارد. نخست اینکه، چین در حال انجام نوین‌سازی اقتصادی است. این امر در درازمدت برای پیشبرد آزادی سیاسی مطلوب می‌باشد. اما در کوتاه مدت، چون شرکتهای دولتی زیادی برچیده می‌شود، ممکن است دهها میلیون چینی کار خود را از دست بدهند و انواع از هم‌گسیختگی اجتماعی و سیاسی پدید آید. برای هزاران سال، دیکتاتورها با بهره‌گیری از قضیه ناسیونالیسم و تمرکز توجه به دشمن خارجی یا مسئله خارجی، با مسائل داخلی برخورد کرده‌اند. تایوان در مرکز و صف جلو قرار خواهد داشت زیرا اکنون یک دموکراسی موفق، بالنده و برخوردار از تجارت آزاد است. این کشور به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر از مردم جنوب شرق آسیا و جمهوری خلق چین بیزار است زیرا آنها برای سالیان متمادی گفته‌اند که آسیایی‌ها شایستگی دموکراسی را ندارند و باید با حکومت دیکتاتوری اداره شوند. تایوان برای رهبران پکن مایه سرشکستگی است، همان‌گونه که برای رهبران کرملین و دیکتاتورهای اروپای شرقی جنبش "همبستگی" لهستان در تابستان ۱۹۸۹ دلت‌بار بود. تنگه تایوان یکی از مناطقی است که به احتمال زیاد در پنج یا ده سال آینده شاهد رویارویی آشکار آمریکا با یک قدرت هسته‌ای دیگر خواهد بود.

مشخص نیست که این جنگ تا چه اندازه گسترش خواهد یافت؟ افسران رده‌های بالا در ارتش آزادیبخش خلق دیدگاه مشترکی نسبت به تایوان ندارند، و تدبیر آنها الزاماً گرایش نظامی ندارد.^(۳۰) اما یکی از منابع اطلاعاتی غرب تخمین می‌زند که افسران بلندپایه نیروی هوایی و دریایی از موضع جنگی در تایوان پشتیبانی می‌کنند.^(۳۱) آنها بیش از نیروهای زمینی، از منافع افزایش بودجه دفاعی بهره‌مند بوده‌اند، و مشتاق هستند که توانمندیهای نوین خود را در بوته آزمایش قرار دهند.^(۳۲)

بعید است که پکن به طور اتفاقی و نسنجیده تعدادی موشک به تایوان پرتاب کند و در انتظار رخدادهای حاصل از آن باشد. پکن بر اساس طرح عمل می‌کند و به دنبال کسب پیروزی است. چین به احتمال بیشتر، این سناریو را به کار می‌گیرد که برای مشوش ساختن ایالات متحده، بحرانهای همزمانی را ایجاد کند، تا آمریکا به ناچار بین تایوان و متحدی دیگر، یکی را برگزیند. این اقتباس از هی شینگ (*He Xing*) نویسنده ملی‌گرای

افراطی، به نظریه "بحرانهای همزمان" اعتبار می‌بخشد:

«چین باید توجه دقیقی به کشورهای مبذول دارد که مخالف با منافع آمریکا، و یا دشمنان بالقوه آن هستند. باید بدانیم که دشمنان آمریکا، متحدان ما به شمار می‌آیند. هر اندازه که آمریکا در دیگر مناطق بیشتر درگیر باشد، به سختی می‌تواند قدرت خود را در برخورد با چین متمرکز کند، در نتیجه فرصتهای بیشتری برای موجودیت و توسعه چین فراهم می‌شود.»^(۳۳)

فرض بر این است که شاید چین در زمان حمله به تایوان با مسکو همکاری کند. ممکن است به طور همزمان، مسکو جنگ با دموکراسیهای نوظهور در منطقه بالتیک و قفقاز را آغاز نماید. یا پکن و دهلی نو در زمان دیگری هند با پاکستان، شاید با پشتیبانی مسکو، با یکدیگر همکاری کنند. روسیه و چین سلاح در اختیار دیگر دشمنان آمریکا مانند ایران و عراق قرار می‌دهند.^(۳۴) پکن یا مسکو می‌تواند عراق را وادار نمایند تا به طور همزمان جنگ با کویت، عربستان سعودی، یا اسرائیل را آغاز کند. چین می‌تواند به طور همزمان به تایوان حمله کند و جریان مواد غذایی به کره شمالی را متوقف سازد، در نتیجه میلیونها آواره به کره جنوبی گسیل می‌شود، و آمریکا ناگزیر باید بین کمک به تایوان و حمایت از کره جنوبی یکی را برگزیند.

امکان کاربرد سلاح هسته‌ای در جنگ بین چین و تایوان، امری بسیار واقعی است. در دوم دسامبر ۱۹۹۸، "سازمان اطلاعات دفاعی" گزارش داد که ارتش آزادیبخش خلق تمرینهایی را اجرا کرده که در آن حملات موشک هسته‌ای علیه تایوان و نیروهای نظامی آمریکا در منطقه وانمودسازی شده است. تحلیلگران "سازمان اطلاعات دفاعی" پی‌بردند که یگانهای موشکی، حملات هسته‌ای وانمودساز را، علیه تایوان و سربازان ارتش آمریکا مستقر در کره جنوبی، اجرا کردند. تفنگداران دریایی در جزیره اوکیناوا (Okinawa) و سرزمین ژاپن نیز هدف قرار گرفتند.^(۳۵) در این تمرین موشکی، ۳۷۰۰۰ سرباز مستقر در کره جنوبی، ۴۷۰۰۰ سرباز مستقر در ژاپن، از جمله نزدیک به ۲۵۰۰۰ تفنگدار دریایی در اوکیناوا، مستقیماً تهدید شدند.^(۳۶) تمامی این گزینه‌ها در سناریوی چین - تایوان، حدس و گمان است، اما امکان‌پذیر و شایان توجه می‌باشند. به ویژه پس از

حملات تروریستی علیه آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و واکنش ایالات متحده، امکان چنین امری وجود دارد. بی‌ثباتی وضعیت جاری، بسیاری از فرضیه‌های پیشین ما را درباره‌ی ثبات و جریان احتمالی روابط منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تردید قرار می‌دهد.

پیشگیری از بروز جنگ سرد جدید

اتحاد استراتژیک میان چین، روسیه و هند زمینه‌ساز جنگ سرد آینده است. برای پرهیز از بازگشت به دوران تنش‌های ابرقدرتها، در ایالات متحده چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش امری دشوار است، اما تدابیر زیر نویددهنده به نظر می‌رسند:

- ایجاد شبکه‌ی دفاع موشکی چندملیتی، که از افراد در معرض حملات یا پرتابهای ناگهانی حفاظت کند.
- تضمین اقتدار ارتش آمریکا و اینکه موضع امنیت ملی ما در اقیانوس آرام مؤثر است.
- پشتیبانی صریح و آشکار از دوستان آمریکا که دمکراسی و بازارهای آزاد را در کشورهای خارجی تقویت می‌کنند.
- تعمیق بخشیدن روابط خود با دیگر کشورها از طریق دیپلماسی، کمک خارجی، و تبادل برنامه‌ها، که در عوض هشدار اولیه درباره‌ی وخامت اوضاع موجود را برای ما تأمین کند.
- با استفاده از سیستم دانشگاهی خود، آموزش دانشجویان خارجی را تداوم بخشیم.
- روند گردآوری اطلاعات درباره‌ی چین، روسیه و هند را افزایش دهیم.
- با بهره‌گیری از منافع آمریکا، به عنوان اهرمی برای پیشگیری از اتحاد مسکو با پکن، همچنان روسیه را در برقراری دمکراسی کمک کنیم.

این‌گونه اقدامها منافع آمریکا را ارتقا خواهد بخشید، آگاهی ما را نسبت به تحولات جاری در آسیا افزایش خواهد داد، و به ما کمک خواهد کرد تا تنش‌هایی را رفع نماییم که به طور ناگهانی بی‌ثباتی بیشتری را برای جهان به ارمغان آورده‌اند. اگرچه مقابله با تروریسم ممکن است در اولویت باشد، دیگر جنبه‌های درازمدت در روابط بین‌الملل نیز

۱۵ _____ روسیه، چین، هند : مثلث استراتژیک جدید برای جنگ سرد؟

برای منافع آمریکا حیاتی است، و ما باید به آنها نیز توجه کنیم.

یادداشتها:

اسناد رسمی طبقه‌بندی نشده، مقالات و کتابهایی که در دسترس عموم قرار دارد، منابعی هستند که در تهیه مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌است. برخی از نشریات روسی، چینی و هندی از طریق اینترنت ترجمه و به کار گرفته شده‌است. برخی از مقالات پیرامون نگرشهای آینده در زمینه جنگ، ارائه شده از سوی تحلیلگران نظامی و پرسنل نظامی بلندپایه چین، به وسیله مایکل پیلزبری (*Michael Pillsbury*) ترجمه گردیده و دانشگاه دفاع ملی آنرا به چاپ رسانید.

- 1- *ITAR - TASS*, 22 November 1995.
- 2- John Cherian, "The Defence Deals", *Frontline*, 14-27 October 2000.
- 3- John Cherian, "A Strategic Partnership", *Frontline*, 14-27 October 2000.
- 4- *Nezavisimaya Gazeta*, 11 December 1998.
- 5- *Interfax news agency*, 31 May 1996.
- 6- Gary Bortsch and Anupam Srivastava, "Weapons Proliferation and Export Controls in the Former Soviet Union : Implications for Strategic Stability in Asia", *AccessAsia Review*, 3 (December 1999), internet, [http:// www.nbr.org/ publications/ review/ vol3no1/ essay.html](http://www.nbr.org/publications/review/vol3no1/essay.html), accessed 24 September 2001.
- 7- *Rossiyskaya Gazeta*, 5 October 1996.
- 8- *Trud*, 26 April 1997, p.3.
- 9- *Izvestiya*, 9 June 1999.
- 10- *ITAR - TASS*, 8 March 2000 ; *Rossiyskaya Gazeta*, 25 May 2000.
1995.
- 11- *ITAR - TASS*, 30 March 2000.
- 12- Anita Singh, "India's Relations with Russia and Central Asia", *International Affairs*, 71 (January), 80.
- 13- *ITAR - TASS*, *Kompas*, 29 October 1998, p.4.
- 14- Jamie Dettmer, "Russian-Chinese Alliance Emerges", *Insight*, 3-10 April 2000, p.20.

- 15- V. Krivozhikha, **Nuclear Factor in Contemporary World** (Moscow : Russian Institute of Strategic Studies, 1996), p.109.
- 16- Alexei Bogaturov, **Great Powers in the Pacific. Theory and History of International Relations in East Asia Since the Second World War, 1945-1995** (Moscow : Institute of US and Canada, 1997), p.291.
- 17- Ma Jiali, "Relations Between China and India Towards 21st Century", paper presented at Second Conference of the Indian Conference of Asian and Pacific Studies, University of Hyderabad, 1996, p.2. See also Mark W. Frazier, "China - India Relations since Pokhran II: Assessing Sources of Conflict and Cooperatin", **AccessAsia Review**, 3 (July 2000), internet, <http://www.nbr.org/publications/review/vol3no1/essay.html>, accessed 21 September 2001.
- ۱۸- ادعاهای موجود مبنی بر صدور آماد نظامی هسته‌ای چین به پاکستان به طور عمده براساس گزارشهایی مانند گزارشهای ذیل است :
- D. Nelan, "Pakistan's Bomb vs. Trade", in **Time** , 19 February 1996, or "U.S. Divided on Pakistan Missile Report", Reuters news service, 12 June 1996.
- 19- S. Gordon, "India and Asia - Pacific Security", in **Asia - Pacific Security : Less Uncertainly, New Opportunities?** ed. Gary Klintworth (New York : St. Martin's Press, 1996), p.74.
- 20- ITAR - TASS, **Dipkourier**, No.19, November 1998, p.30.
- 21- **Ibid.**
- 22- June Teufel Dreyer, **The PLA and Kosovo Conflict** (Carlisle, Pa. : US Army War College, Strategic Studies Institute, May 2000), p.5.
- 23- J.T. Banks, et al., **Global perspectives on the Revolution in Military Affairs : Initial Views in Kosovo** (Denver : SAIC Foreign Systems Research Center, August 1999), p.40.
- 24- Dinesh Kumar, "Let's Be Stronger and Smarter, Says IAF Chief", **Times of India**, 16 May 1999.

- 25- Bill Gertz, ***The China Threat, How the People's Republic Targets America*** (Washington: Regnery, 2000), p.16.
- 26- Miranovich Gennadiy, "For Armed Forces in the 21st Century : Answering the Challenges of Time", ***Krasnaya Zvezda***, 24 April 1999, p.2.
- 27- T. Jayaraman, "Deterrence and Other Myths", ***Frontline***, 8-21 May 1999.
- 28- David Beachley, ***India : Transformation Strategies for War into the 21st Century*** (Denver: SAIC Foreign Systems Research Center, March 1999).
- 29- Wu Jianguo, "Nuclear Shadows on High Tech Warfare", trans. Michael Pillsbury, in ***Chinese Views of Future Warfare*** (Washington : National Defense University, 1998), p.140.
- 30- June Teufel Dreyer, ***China's Strategic View : The Role of the People's Liberation Army*** (Carlisle, Pa. : US Army War College, Strategic Studies Institute, 1996), p.4.
- 31- ***Ibid.***, p.6.
- 32- ***Ibid.***
- 33- He Xing, as quoted in Gertz, ***The China Threat***, p.101.
- 34- Gertz, ***The China Threat***, p.101.
- 35- ***Ibid.***, p.173.
- 36- ***Ibid.***, p.174.